

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 20, No. 7, Autumn 2020, 111-135
Doi: 10.30465/crtls.2020.31460.1885

Book Review

Globalization and Cultural Diversity

Hamid Sajadi*

Abstract

Globalization is accompanied by the expansion of mass communication across the globe. Regarding the magnitude and type of the significant impacts left by globalization and cosmopolitan connections on cultural developments, various theories have been formed, among which the most important we can refer to the theory of cultural convergence and the theory of cultural polarization. The main issue is the relationship between cultural diversity and globalization, which Norris and Inglehart have tested in their book, *Cosmopolitan Communications: Cultural Diversity in a Globalized World*, through an extensive survey based on variables such as the use of the news media, cultural values, liberal views, and secularism. According to the results of this study, globalization has had a convergent aspect only in the areas close to the center of the mass communications world, while the fact is that due to the so-called firewalls, a major part of the world is not highly exposed to global mass communications. The result is that, despite the prevalence of the globalization process, the main core of national cultures still remains in the world. The present paper tries to review and examine the relationship between globalization and cultural diversity introduced in the collaborative research of Norris and Inglehart, which is translated into Persian by Abdollah Fazeli and Sajedeh Allameh and published in a book entitled “*Globalization and Cultural Diversity*” by Kavir Publishing. In addition to the review and analysis of the content of this work, its form and translation are also considered in this paper.

Keywords: Globalization, Cultural Diversity, Cosmopolitan, Mass Communication, Values, Divergence.

* Assistant Professor of Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran, H.Sajadi@ihcs.ac.ir

Date received: 2020-02-19, Date of acceptance: 2020-08-16

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

نقد و بررسی جهانی‌شدن و تنوع فرهنگی

حمید سجادی*

چکیده

جهانی‌شدن با توسعه ارتباطات جمعی در گستره جهانی همراه است. در مورد میزان و نوع تأثیراتی که جهانی‌شدن و ارتباطات جهان‌وطنی در تحولات فرهنگی داشته است نظریه‌های گوناگونی وجود دارد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها نظریه هم‌گرایی فرهنگی و نظریه قطبی‌شدن فرهنگی است. از مهم‌ترین چالش‌های اصلی در این حوزه مسئله رابطه تنوع فرهنگی با جهانی‌شدن است. به همین دلیل، نوریس و اینگلهارت در پژوهشی این رابطه را در ۹۵ کشور و با شاخص‌هایی هم‌چون میزان استفاده از رسانه‌های خبری، ارزش‌ها، و نگرش فرهنگی به‌آزمون گذارده‌اند. براساس نتایج این تحقیق، جهانی‌شدن فقط در مناطقی که به‌میزان زیادی در معرض ارتباطات جمعی جهانی قرار دارند و جبهی هم‌گرایانه دارد و بخش عمده جهان به‌واسطه آن‌چه دیوارهای آتش می‌نامند به‌میزان اندکی از ارتباطات جمعی جهانی بهره می‌گیرند؛ باوجود گسترش جهانی‌شدن، هسته اصلی فرهنگ‌های ملی در جهان هم‌چنان پابرجا مانده است. کتاب مذکور با عنوان *جهانی‌شدن و تنوع فرهنگی* به‌دست عبدالله فاضلی و ساجده علامه ترجمه شده است. معرفی و نقد شکلی و محتوایی این اثر موضوع مقاله پیش‌رو است، علاوه‌براین که ارزیابی ترجمه کتاب مذکور نیز از نظر دور نمی‌ماند.

کلیدواژه‌ها: جهانی‌شدن، تنوع فرهنگی، جهان‌وطنی، ارتباطات جمعی، واگرایی.

* استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران، H.Sajadi@ihcs.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۶

۱. مقدمه

هم‌بستگی میان اقتصاد و فرهنگ جوامع در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم رشد بسیار سریعی پیدا کرد (Martin 2001). این فرایند در اواخر قرن بیستم و در پرتو تحولات ۱۹۸۹ و آزادسازی پس‌از آن موجب شد تا بسیاری از نقاط جهان گسترش قابل‌توجهی از هم‌بستگی جهانی را تجربه کنند. جهانی‌شدن مجموعه‌ای پیچیده از نیروها و عوامل را فراهم ساخت که مردم، فرهنگ‌ها، بازارها، باورها، و شیوه‌ها را در نزدیکی و ارتباط بیش‌تر با یک‌دیگر قرار داد. در پیش‌برد این مهم، تحولات فناوری به‌ویژه در حوزه اینترنت و رسانه‌های مجازی در برقراری ارتباط بین مردم در سراسر جهان بسیار اثرگذار بوده است. از ۲۰۱۲ حدود ۲/۴ میلیارد نفر (بیش از یک‌سوم جمعیت انسانی جهان) از خدمات اینترنت استفاده کرده‌اند (گزارش آمار جهانی اینترنت ۲۰۱۲). با این حال، رشد جهانی‌شدن هرگز هموار، یک‌نواخت، و مستمر نبوده است. رکود اقتصادی در اواخر ۲۰۰۰ یکی از روی‌دادهای اثرگذار بود که با رشد کم‌تر (در زمینه‌هایی مانند تماس‌های تلفنی بین‌المللی و استفاده از اسکایپ) یا حتی رشد موقت منفی (در زمینه‌هایی مانند تجارت) هم‌راه بود (Faiola 2009). هم‌چنین، ادغام جهانی تقریباً یک‌دهم پس از ۲۰۰۸ کاهش یافته، اما تا ۲۰۱۳ به‌مراتب بالاتر از اوج پیش از رکود بوده است^۱ (آلمن و جموات ۲۰۱۴).

با پیشرفت فناوری و گسترش امکانات مخابراتی و سهولت جابه‌جایی در پرتو تجهیزات مدرن، ارتباط مردم کشورهای دنیا با یک‌دیگر روزبه‌روز بیش‌تر شده است. در پرتو این امر فضایی فراهم شده است که جوامع و افراد در ارتباط مستقیم با پی‌آمدهای فعالیت‌های یک‌دیگر قرار گرفته‌اند. به‌گفته کاستلز (۱۳۸۰) برای آن دسته از کنش‌گران اجتماعی که از فردی‌شدن هویت ناشی از زندگی در شبکه‌های جهانی قدرت و ثروت طرد شده‌اند یا در برابر آن مقاومت می‌کنند، اصلی‌ترین جای‌گزین برساختن معنا جماعت‌های فرهنگی استوار بر بنیادهای دینی، ملی، یا منطقه‌ای است. این جماعت‌های فرهنگی برمبنای مواد خام برگرفته از تاریخ، جغرافیا، زبان، و محیط علمی شکل می‌گیرند. با این مقدمه، در ادامه، به تبیین رابطه جهانی‌شدن و تنوع فرهنگی در کتاب نوریس و اینگلهارت پرداخته می‌شود.

۲. طرح مسئله: تبیین رابطه جهانی‌شدن و تنوع فرهنگی

روایت‌های مختلفی از مفهوم جهانی‌شدن در ارتباط با مقوله فرهنگ و تنوع فرهنگی وجود دارد. از بُعد فرهنگی، جهانی‌شدن بیش‌تر ناظر بر فشردگی زمان و مکان و پیدایش شرایط

جدید برای جامعه جهانی و جهانی‌شدن فرهنگ است، با این توضیح که رشد فزاینده فناوری وسایل ارتباط جمعی، اینترنت، و ماهواره موجب فشردگی زمان و مکان و نزدیکی فرهنگی کشورها شده و از این طریق فرهنگی مسلط در سطح جهانی تشکیل داده است (آلبرو ۱۳۸۱). در این میان، برخی به ادغام فرهنگ‌ها و تأسیس فرهنگ واحد جهانی باور دارند، و برخی به تکثر فرهنگی. در مواردی گروه‌هایی با سابقه تاریخی طولانی تا گروه‌های تازه تأسیس تمایلی به ادغام در فرهنگ مسلط ندارند و چالش‌های جدیدی را به وجود آورده‌اند. برخی نظریه‌پردازان با اشاره به فرایند گسترش، تعمیق، و تسریع ارتباطات جهانی در همه عرصه‌های زندگی انسان امروز بر پیوند خوردن فرهنگ‌ها به یکدیگر و ظهور هویت‌های عام جهان‌شمول و شکل‌گیری عناصر فرهنگ جهانی تأکید داشته و بازتعریف مرزهای ملی متأثر از پدیده جهانی‌شدن را درخواست دارند (Held et al. 1999: 10). برخی در رویکردی متفاوت جهانی‌شدن را در تقابل تنوع فرهنگی می‌دانند و بر این باورند که جهانی‌شدن توان تولید، خلاقیت فرهنگی، و توانایی ارتباط انسان عصر حاضر را افزایش داده، اما در عین حال حق انتخاب را از جوامع سلب کرده است. از همین رو، مردم سراسر جهان، به استثنای معدودی از نخبگان، کنترل خود را بر زندگی، محیط، شغل، اقتصاد، دولت، کشور، و در نهایت کل کره زمین از دست خواهند داد و فرهنگی عام و جهان‌شمول بر جامعه جهانی حکم فرما خواهد شد (کاستلز ۱۳۸۰: ۸۹-۹۷). برخی از منتقدان جهانی‌شدن نیز استدلال می‌کنند که جهانی‌شدن به تنوع فرهنگ‌ها آسیب می‌رساند، با این توضیح که جهانی‌شدن مفاهیم فرهنگی غالب از کشورهای غربی قدرت‌مند اقتصادی و سیاسی را گسترش می‌دهد و به فرهنگ‌های محلی آسیب می‌رساند (Biswajit 2011: 153).

بدین‌سان، برخی جهانی‌شدن را موجب تشدید تکثرگرایی فرهنگی می‌دانند که در آن گروه‌ها بر حفظ هویت و بازشناسی فرهنگی خود تأکید دارند. این گروه از نظریه‌پردازان تداوم هویت‌های خاص فرهنگی چون بنیادگرایی، ملی‌گرایی، و قومی‌گرایی را شاهدی بر مدعای خویش می‌گیرند و توضیح می‌دهند که چگونه پیروان فرهنگ‌های خاص جهانی‌شدن را به‌ویژه در حوزه فرهنگ تهدیدی برای هویت فرهنگی خود قلمداد می‌کنند. در این شرایط، فرهنگ‌های بومی و خاص، برای مقابله با جهانی‌شدن فرهنگ، انواع راه‌بردهای انزواطلبی و ستیزه‌جویی و رد هرگونه نسبت فرهنگی و تساهل را پیشه کرده‌اند (Peterson 1999: 80).

مبحث فرهنگ در این‌جا از آن‌رو اهمیت دارد که مهم‌ترین تفاوت اقوام و ملل از فرهنگ مایه می‌گیرد، نه از ایدئولوژی، سیاست، یا اقتصاد. بنابراین، هرگونه نزاع یا هم‌بستگی در

پرتو این مفهوم صورت‌بندی می‌شود. از جمله سؤالات مطرح در این حوزه عبارت‌اند از: این‌که آیا جهانی شدن تنوع فرهنگی را تهدید کرده است؟ جهانی شدن چه اثری در عرصه فرهنگ داشته است؟ آیا در فرایند جهانی شدن هویت‌های خاص فرهنگی در فرهنگ عام جهانی نوظهور تحلیل می‌رود؟ جهانی شدن ترجمان سیطره فرهنگ واحد آمریکایی است؟ در فرایند جهانی شدن تکثرگرایی فرهنگی تداوم می‌یابد؟ جهانی شدن موجب انحلال هویت‌های متکثر فرهنگی شده است؟

با این توضیح کتاب *ارتباطات جهان‌وطنی: تنوع فرهنگی در جهان جهانی‌شده* بر مبنای این مسائل به تبیین مسئله پرداخته است و با مروری روش‌مند بر مکاتب نظری متعارض در زمینه نفوذ فرهنگ آمریکایی و طرح دو نظریه امپریالیسم فرهنگی و قطبی‌سازی، این‌گونه استدلال می‌کند که بنابر نظریه امپریالیسم، ارتباطات می‌تواند به توسعه جوامع از طریق جذب ارزش‌ها، نگرش‌ها، و باورهای غربی منجر شود. هم‌چنین، بنابر نظریه قطبی‌شدن، جهانی‌سازی موجب ضدحرکت‌هایی به‌منظور حفظ ویژگی‌های بومی مخصوص جامعه‌ای خاص طراحی شده است. اینگلهارت و نوریس نظریه‌سومی را توضیح می‌دهند که در میانه این دو نوع نگرش افراطی و با رویکردی ترکیبی میان این دو قرار دارد، با این توضیح که فرهنگ‌ها از طریق ارتباطات بین‌مرزی به موجودیت‌های جدیدی تبدیل می‌شوند، آن‌چنان‌که ضمن حفظ سنت‌های قدیمی خود، از جوامع دیگر نیز بهره می‌گیرند. به‌نظر اینگلهارت و نوریس، پاسخ به این سؤال که آیا یکی از این رویکردها متقاعدکننده‌تر از دیگر رویکردهاست یا نه جوابی فراتر از یک بله یا خیر ساده می‌طلبد. نوریس و اینگلهارت دقت کرده‌اند که از هیچ‌کدام از رویکردها جانب‌داری نکنند (Moy 2010). با این توضیح، در ادامه، بحث را با معرفی نویسندگان کتاب و معرفی اثر و سپس نقد و ارزیابی شکلی و محتوایی کتاب پی‌گیری می‌کنیم؛ هم‌چنین ارزیابی ترجمه اثر را نیز از نظر دور نمی‌داریم.

۱.۲ معرفی نویسندگان

پیا نوریس مدرس کرسی مک‌گوایر در سیاست تطبیقی دانشکده مدیریت جان اف کندی دانشگاه هاروارد است. نوریس دارای مدرک کارشناسی هنر در سیاست و فلسفه از دانشگاه وارویک و مدرک کارشناسی ارشد و دکترا در سیاست از دانشکده اقتصاد لندن (LSE) است. حوزه تحقیقاتی وی افکار عمومی و انتخابات، نقش نهادها و فرهنگ‌های

دموکراتیک، سیاست‌های جنسیتی، و ارتباطات سیاسی است و گستره وسیعی از کشورها در سراسر جهان جامعه آماری او را تشکیل می‌دهد. نوریس یکی از معروف‌ترین دانشمندان علوم سیاسی در جهان بوده که رتبه چهارم در علوم سیاسی از سوی «Google Scholar» را به خود اختصاص داده است. وی بیش از چهل کتاب همراه با مقالات متعدد را در رزومه خود ثبت کرده است.^۲

رونالد اینگلهارت نویسنده دوم کتاب متولد ۵ سپتامبر ۱۹۳۴، جامعه‌شناس، اندیشمند سیاسی، و استاد دانشگاه میشیگان و از مدیران اصلی پیمایش‌هایی با عنوان پیمایش ارزش‌های جهانی است که از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱ انجام شده‌اند. وی نویسنده بیش از ۲۲۵ مقاله علمی است. او در دهه ۱۹۷۰ نظریه جامعه‌شناختی فرامادی‌گرایی را گسترش داد. علایق پژوهشی وی سیاست و حکومت تطبیقی، توسعه سیاسی، و روان‌شناسی سیاسی است.^۳ نوشته‌های متعدد رونالد اینگلهارت بسیار اثرگذار بوده و به زبان‌های مختلف ترجمه شده و انتشار یافته است.

۲.۲ معرفی کتاب

کتاب در دو بخش شامل پیش‌گفتار، یازده فصل، و نتیجه‌گیری تنظیم شده است. در بخش قدردانی نویسندگان کتاب، و رای معرفی همکاران، ذکر تک‌به‌تک اسامی مؤسسات حمایت‌کننده مالی از پروژه، معرفی پیشینه پژوهش‌ها در این حوزه، معرفی پایگاه داده‌ها و منابع اطلاعاتی و وبسایت‌های این حوزه اهمیت دارد، به‌ویژه این که به‌منزله اجزای انجام پروژه موفق در سطح جهان نمای مناسبی را در اختیار خواننده قرار می‌دهد (ص ۷-۹). در ادامه، مترجمان به‌طور خلاصه نمایی کلی از کتاب را در پیش‌گفتار ترسیم می‌کنند. در فصل اول کتاب، نویسندگان با تمرکز بر نقش رسانه و ارتباطات این مسئله را موردپرسش قرار می‌دهند که آیا تنوع فرهنگی براساس ارتباطات جهان‌وطنانه موردتهدید قرار گرفته است؟ به این منظور، تأثیر ارتباطات جهان‌وطن بر مخاطبان، اثرهای هم‌گرایی فرهنگی، نظریه‌های مربوط به اثر ارتباطات جهانی قطبی‌شدن فرهنگی، و تفاسیر مهم ظاهرشده در این زمینه را به بحث و بررسی می‌گذارند (ص ۱۳-۳۳).

در فصل دوم، نویسندگان سؤالات پژوهش را طرح و تدقیق می‌کنند؛ از جمله، تحت‌تأثیر چه شرایطی پی‌آمدهای ارتباطات جهان‌وطنی جنبه‌های سنتی فرهنگ‌های ملی متمایز را نابود می‌کند؟ آیا ارتباطات جهان‌وطنی جذب ارزش‌های مدرن در جوامع سنتی را

سرعت می‌بخشد؟ یا این که ارتباطات جهان‌وطن باعث ایجاد واکنشی شدید در میان کسانی می‌شود که احساس می‌کنند به واسطه این فرایند مورد تهدید واقع شده‌اند؟ آیا ارتباطات جهان‌وطن باعث شکل‌گیری فرهنگی ترکیبی می‌شود که اجزای آن از جوامع و مکان‌های متفاوت به‌عاریه گرفته شده است؟ آیا نگرش‌ها و ارزش‌های عمیق و ریشه‌دار در برابر جریان‌های ارتباطات جمعی نسبتاً مقاوم باقی می‌مانند؟ نویسندگان با اشاره به این که چنین سؤالاتی شایسته مداخله‌ای منظم و حساب‌شده است به طرح چهارچوب نظری کتاب با عنوان نظریه دیوار آتش می‌پردازند و گزاره‌های تجربی آزمون‌پذیر استخراج‌شده از نظریه مذکور را شناسایی می‌کنند؛ سپس طرح تحقیق این کتاب را توضیح و منابع داده‌های مورد استفاده را شرح می‌دهند (ص ۳۵-۸۷).

نویسندگان در فصل سوم به بررسی بازار بین‌المللی محصولات و خدمات فرهنگی از جمله حجم و جهت واردات و صادرات کشورها و نیز روند آن در طول زمان می‌پردازند، با این توضیح که تبادل فرهنگی در میان کشورهای مرکز که عمدتاً دارای شبکه‌های ارتباطی غنی و متراکمی‌اند گسترده‌تر است. در مقابل، کشورهای اطراف که شبکه‌های ارتباطی غنی و متراکمی ندارند عمدتاً در جنوب جهان متمرکز شده‌اند. شواهد موجود در این فصل حاکی از سهم برجسته آمریکا در بازار بین‌المللی تجارت فرهنگی و رشد این سهم طی سال‌های اخیر دارد. هم‌چنین، این فصل محدودیت‌های ادغام تجاری کشورهای فقیر را نیز نشان می‌دهد (ص ۹۱-۱۱۵).

نوریس و اینگلهارت در فصل چهارم نشان می‌دهند که فقر و عدم توسعه اقتصادی هم‌چنان از موانع عمده دسترسی به رسانه‌های جمعی‌اند. نویسندگان این اثر با ارجاع به آمارهای جمع‌آوری‌شده توسط یونسکو، اتحادیه بین‌المللی مخابرات، و سازمان‌های مرتبط تلاش کرده‌اند تا الگوهای در دسترس در سراسر جهان را با یکدیگر مقایسه کنند. برای این منظور، استفاده منظم از روزنامه، مجلات، تلویزیون، رادیو، و اینترنت یا ایمیل در جوامع بررسی می‌شود، با این توضیح که کشورهای پسا صنعتی برجسته مانند آمریکا، سوئد، آلمان، و ژاپن که دسترسی گسترده‌ای به تمام انواع رسانه‌ها دارند، در برخی از کشورها با درآمد متوسط و اقتصادهای نوظهور مانند برزیل، هند، و چین دسترسی همگانی به تمام اشکال ارتباطات الکترونیک و چاپی به‌سرعت در حال رشد است و برخی از توسعه‌نیافته‌ترین کشورها مانند بورکینافاسو، رواندا، و اتیوپی دارای حداقل دسترسی به رسانه‌های خبری‌اند. در درون هر یک از این کشورها، در میان بخش‌های مختلف، تفاوت‌های قابل توجهی در استفاده از اخبار وجود دارد. فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات

درمیان خانواده‌های مرفه‌تر در کشورهای دارای درآمد بالاتر و متوسط به‌طور وسیعی گسترش یافته است (ص ۱۱۷-۱۵۷).

فصل پنجم به مقایسه و طبقه‌بندی کشورهای جهان با استفاده از شاخص جهان‌وطن‌گرایی اختصاص یافته که مبتنی بر شناسایی موانع داخلی و خارجی جریان آزاد اطلاعات است. جهان‌وطن‌ترین کشورها مانند دانمارک، استونی، و سوئیس دارای ویژگی‌هایی مانند دسترسی همگانی گسترده به منابع و کانال‌های رسانه‌ای متعدد، موانع تجاری محدود برای واردات فرهنگی، و محدودیت‌های اندک در مورد استقلال روزنامه‌نگاران و صاحبان شبکه‌های رادیو - تلویزیونی‌اند. این کشورها در خط مقدم فرایند جهانی‌شدن قرار دارند و با بسیاری از دیگر کشورها از طریق شبکه‌های قوی ارتباطی، اقتصادی، و سیاسی یک‌پارچه‌اند. نویسندگان کشورها را برطبق شاخص جهان‌وطن‌گرایی مقایسه و طبقه‌بندی می‌کنند و با مطالعات موردی، این تیپولوژی را نشان می‌دهند (ص ۱۵۹-۱۹۰).

بخش دوم کتاب به آزمون نظریه دیوار آتش می‌پردازد. این نظریه پیش‌بینی می‌کند که استفاده فردی از رسانه‌های خبری در ارزش‌های فردی تأثیر مستقیم دارد. این مطالعه به آزمون اثر فراگیری در معرض رسانه‌های جمعی بر قوت هویت ملی و تمایلات جهان‌وطنانه، ارزش‌ها و نگرش‌ها درباره بازار و دولت، جهت‌گیری‌ها به دین، برابری جنسیتی، و معیارهای سستی اخلاق مثل نگرش به دموکراسی، ارزش‌های ابراز وجود، و حقوق بشر می‌پردازد.

فصل ششم با بررسی این موضوع آغاز شده است که آیا کسانی که بیش‌تر در معرض اطلاعات و اخبار قرار می‌گیرند دارای تمایلات ملی‌گرایانه کم‌تر و تمایلات جهان‌وطنانه بیش‌تری از دیگران‌اند و این الگو در جوامع باز و بسته چگونه است. این فصل به بررسی این موضوع می‌پردازد: تأثیر کاربری منظم رسانه‌های خبری در میزان قوت هویت ملی یا حمایت از سازمان‌های حکمرانی جهانی. مفسرانی مانند گیدنز استدلال کرده‌اند که جهانی‌شدن به پایان دولت ملی منجر می‌شود. قرارگیری منظم در معرض اطلاعات بیش‌تر در مورد سایر جوامع و جهان از طریق رسانه‌های خبری به این فرایند کمک می‌کند. در مقابل، منتقدان تردید دارند که ملی‌گرایی درمیان عموم مردم حتی در اتحادیه اروپا شدیداً تضعیف شده باشد یا این که هویت جهان‌وطنانه نوظهور آن‌قدر قوی باشد که بتواند جای‌گزین جاذبه‌های قبیله‌ای، محلی، و ملی‌گرایی شود. برای مثال، به‌نظر آنتونی اسمیت ما

شاهد رشد گروه‌های منطقه‌ای هستیم که در آن دولت‌های ملی به‌منزله کنش‌گران اصلی باقی می‌مانند و نه نظم نوین جهانی که فراتر از دولت‌ها رود (ص ۱۹۳-۲۲۱).

در فصل هفتم نوریس و اینگلهارت تأثیر رسانه‌های خبری در نگرش به بازار آزاد و نقش دخالت دولت در مدیریت اقتصاد را بررسی کرده‌اند. این موضوع به‌ویژه برای دولت‌های کمونیستی سابق و کشورهای آمریکای لاتین که سیاست‌های اجماع واشنگتن، مقرارت‌زدایی و خصوصی‌سازی بخش دولتی، آزادسازی تجارت، و کاهش نقش دولت را دنبال می‌کنند مهم است. انتظار می‌رود ارتباطات جمعی، به‌ویژه از طریق تبلیغات و ارزش‌های منتقل شده توسط برنامه‌های سرگرم‌کننده عامه‌پسند، با تأکید بر مصرف انبوه، فردگرایی و حمایت از لیبرالیسم اقتصادی را تقویت کند. تحقیقات مختلف به بررسی عوامل مؤثر در حمایت همگانی از تجارت آزاد و ادغام اقتصادی پرداخته‌اند (ص ۲۲۳-۲۴۴).

نویسندگان در فصل هشتم جهت‌گیری کاربران رسانه‌ها به‌سمت ارزش‌های اخلاقی سنتی و دین را موردپرسش قرار داده‌اند. براساس نتایج، شکاف پایداری میان جوامع پسا صنعتی و جوامع در حال توسعه در زمینه ارزش‌های اخلاقی سنتی، نگرش به ازدواج و طلاق، مدارا با هم‌جنس‌گرایی، و حمایت از برابری جنسی زنان و مردان وجود دارد. همچنین، نتایج بر تفاوت قابل‌ملاحظه کشورهای فقیر و ثروت‌مند در مورد الگوهای ارزشی و رفتارهای دینی دلالت دارد. در ادامه، نویسندگان تأثیر ارتباطات جمعی در این فرایندها را موردپرسش قرار می‌دهند و شواهد را در دو بخش دسته‌بندی می‌کنند: نخست، استدلال می‌کنند که هنگامی که برنامه‌های سرگرم‌کننده عامه‌پسند یا اطلاعات خبری منعکس‌کننده ارزش‌های غربی به فرهنگ‌های سنتی وارد می‌شوند موجب تغییر ارزش‌ها (برای مثال از طریق تشویق مدارای بیش‌تر با آزادی جنسی و رفتار سکولارتر) می‌شوند. در مقابل بر مبنای تز قطبی‌شدن، استدلال می‌کنند برنامه‌های سرگرم‌کننده عامه‌پسند غربی در کشورهای در حال توسعه، به‌ویژه دولت‌های بسیار محافظه‌کار عربی، از طریق تأکید بر سکسوالیته آشکار، خشونت، مصرف‌گرایی، و بی‌احترامی به سنت‌های تاریخی، آداب و رسوم و مقامات مذهبی، تضعیف اهمیت خانواده، ازدواج، و ناموس به واکنش شدید منجر می‌شود و جنگ‌های فرهنگی را دامن می‌زند. فصل هشتم از طریق مقایسه گروه‌های استفاده‌کننده ارتباطات جمعی به بررسی شواهد تجربی این استدلال‌ها می‌پردازد (ص ۲۴۵-۲۶۳).

نویسندگان در فصل نهم به بررسی حمایت از آرمان‌های دموکراتیک، ارزش‌های ابراز وجودی، و حقوق بشری می‌پردازند. آن‌ها با ارجاع به منطق تر هم‌گرایی استدلال می‌کنند

که رسانه‌ها، از طریق گسترش ایده‌های حقوق بشر و دموکراتیک، جنبش‌های اصلاحی و فعالان حقوق بشر در جوامع بسته و رژیم‌های سابقاً استبدادی را تقویت کرده‌اند. دست‌رسی به اخبار و اطلاعات بین‌المللی در مورد جوامع دموکراتیک سازوکاری بالقوه در گسترش مطالبات مربوط به حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی در دیگر کشورها بوده است. هم‌زمان، ارتباطات جمعی در جایی که رسانه‌های خبری توسط نخبگان قدرت‌مند حاکم یا مالکیت دولتی رادیو و تلویزیون سانسور شده و روزنامه‌نگاران از طریق تهدید و ارباب کنترل می‌شوند به‌منزله سازوکار تبلیغات و کنترل دولتی به‌کار گرفته شده است. در این‌جا نویسندگان شواهد مربوط به این ادعاها را بررسی و تلاش کرده‌اند تا به این پرسش پاسخ دهند که آیا دست‌رسی یا عدم دست‌رسی به ارتباطات جمعی در کشورهای تحت‌حکومت رژیم‌های مختلف مانند روسیه، اوکراین، و لهستان دارای جهت‌گیری‌های سیاسی متفاوتی است یا نه؟ (ص ۲۶۵-۲۸۸).

در فصل دهم، نویسندگان به‌منظور طبقه‌بندی بیش‌تر از ۹۰ کشور برحسب شاخص جهان‌وطن‌گرایی به بررسی میان‌هم‌گرایی فرهنگی‌ها در طول زمان پرداخته‌اند. پیمایش جهانی ارزش‌ها در پنج موج از اوایل دهه ۱۹۸۰ انجام شده است، با مقایسه نگرش افراد در طول زمان در جست‌وجوی پاسخ به این سؤال‌اند که آیا فرهنگ‌های ملی در جهان‌وطنی‌ترین کشورها در حال هم‌گرایی تدریجی‌اند (ص ۲۹۱-۳۱۸). درنهایت، در فصل یازدهم نتایج اصلی را خلاصه می‌کنند و پی‌آمدهای تأثیر ارتباطات جمعی در تنوع فرهنگی و نیز پی‌آمدهای وسیع‌تر آن برای سیاست‌گذاری فرهنگی را توضیح می‌دهند. به‌باور آن‌ها، حامیان جهانی‌شدن ارتباطات جمعی را وسیله بالقوه تقویت‌کننده آگاهی در مورد دیگر کشورها و ارتقای درک بین‌المللی در سراسر جهان و نیز گسترش اصول و کردارهای حکم‌رانی دموکراتیک و حقوق بشر می‌دانند. آن‌ها مدافع سیاست‌های بازار آزاد نتولیرالی‌اند و بر به‌حداکثر رساندن جریان آزاد اطلاعات و تجارت در سراسر مرزهای ملی تأکید دارند. این مهم محدودیت‌های تجاری را برمی‌چیند، موانع تعرفه‌ای را کاهش می‌دهد، و مقررات مالیات دولتی رسانه‌ها را بی‌مقدار می‌کند. آن‌ها غلبه شرکت‌های چندملیتی آمریکایی و غربی در حوزه رسانه‌های صوتی و تصویری را زنگ خطری برای تنوع فرهنگی می‌دانند. آن‌ها مدافع سیاست‌گذاری‌های تجاری فرهنگی حمایتی شامل به‌کارگیری تعرفه و سهمیه‌بندی جهت تنظیم و محدود کردن واردات خدمات صوتی - تصویری و یارانه‌ها برای حفظ صنایع خلاق داخلی و تکثرگرایی فرهنگی‌اند. همان‌گونه که منازعات درون یونسکو نیز نشان می‌دهد، شدیدترین احساسات مربوط به حمایت از

تولیدات داخلی در کشورهای در حال توسعه وجود دارد، اما این احساسات در کشورهای پسا صنعتی مرفه نیز دیده می‌شود؛ برای نمونه، اتحادیه اروپا میان اعضای موافق با بازارهای رقابتی در اروپا و اعضای که (به رهبری فرانسه) در پی حفظ اقتصاد خلاق اروپا در برابر آمریکایی شدن فرهنگ عامه (اروپا) هستند تقسیم شده است. هم‌چنین، میان نظریه پردازان علوم اجتماعی در مورد این موضوعات اختلافات اساسی وجود دارد. فصل یازدهم به این موضوع می‌پردازد که آیا مداخلات طراحی شده برای حفظ فرهنگ‌های ملی در برابر نفوذ خارجی مناسب است یا جریان آزاد اطلاعات و حفظ مرزهای باز خط‌مشی مطلوب‌تری ارائه می‌دهد (ص ۳۱۹-۳۴۳).

۳. نقد و بررسی شکلی اثر

۱.۳ ویژگی‌های فنی اثر

کتاب جهانی‌شدن و تنوع فرهنگی^۲، اثر مشترک پپا نوریس و رونالد اینگلهارت، ترجمه عبدالله فاضلی و ساجده علامه، با قطع وزیری و جلد شومیز، از سوی انتشارات کویر در ۱۳۹۵ در ۴۰۰ صفحه به چاپ رسیده است. صحافی کتاب خوب است و غلط‌های چاپی نیز ندارد. صفحه‌آرایی مناسب و خوب است. هم‌چنین، کیفیت چاپ نیز مطلوب است و ایراد چاپی ندارد. حروف‌نگاری کتاب نیز بسیار خوب و مطلوب است. به‌طور کلی، اندازه فونت و سایز کلمات و فاصله جملات مناسب و چشم‌نواز است. جلد کتاب با نقشه جهان و طرحی درهم‌تنیده از مفاهیم مرتبط با جهانی‌شدن در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، فناوری، و ارتباطات آذین شده است. مفاهیم یادشده هر یک وجهی از سؤالات و فرضیه‌های موردآزمون در این کتاب را به‌نمایش می‌گذارد. درست به همین شکل طرح نقشه جهان در بالای جلد کتاب است که کشورهای گوناگون را با رنگ‌های متنوع به‌نمایش گذاشته است، امری که با نتیجه کتاب حاضر ارتباط معناداری است، نتیجه‌ای که دال بر تمایز فرهنگ‌ها با وجود گسترش روزافزون تأثیرات فزاینده جهانی‌شدن است.

۲.۳ قواعد عمومی نگارش و ویرایش تخصصی اثر

در متن برخی از واژگان اضافی است و حذف آن‌ها نه تنها آسیمی به متن نمی‌رساند، بلکه آن را ساده و روان‌تر نیز می‌سازد. برای نمونه؛ «کمبود منابع برای دسترسی به

ارتباطات جمعی» یا «موانع خارجی برای ادغام در بازارهای فرهنگی» (ص ۱۱)؛ واژه «برای» در هر دو جمله الزامی برای طرح در جمله ندارد. در برخی موارد جمله‌ها ترکیبی است و با وجود این که جمله ادامه دارد نقطه گذاشته شده و جمله بعدی با کلمات ربط «اما» و «بلکه» (ص ۱۵ سطر ۳، ۲۵؛ ص ۱۶، سطر ۱۶)، کلمه «درعوض» (ص ۱۴۵) آغاز شده است. در این جا بهتر است تا نقطه پایان جملات برداشته شود و واژگان ربط پیونددهنده دو جمله باشند. مورد دیگر شروع جمله با «او» است (ص ۲۳۱ سطر ۱۷).

۳.۳ روان‌بودن و رسایی کتاب

جملات کوتاه در ترجمه مزیت اصلی ترجمه این کتاب است، امری که فهم آسان‌تر متن را سبب شده است. باین‌حال، همان‌گونه که از عنوان کتاب پیداست، بسیاری از مفاهیم متن وجهی فرهنگی دارد، از این رو، موارد بسیاری که در متن مفاهیم استخدام شده مفاهیمی فرهنگی است که ترجمه واژگانی آن‌ها کم‌تر کمکی به خواننده برای فهم آن مفهوم می‌کند. با اذعان بر این که در غالب موارد معادل مناسبی برای ترجمه نمی‌توان انتظار داشت، لاجرم بیان توضیحاتی در این زمینه به صورت پانوشت برای فهم اصطلاحات خاص فرهنگی می‌تواند یاری‌رسان باشد. برای نمونه می‌توان به عباراتی هم‌چون تترایی، دنیای پوش‌اند، بک، لاری کینگ لایو، خانواده سیمپون (ص ۱۳)، غو و کیرا، تیووها، پادکست‌ها (ص ۱۴)، کنگلومراها (ص ۳۱۹) اشاره کرد.

۴.۳ غلط‌های املایی

- فونت عدد پانوشت اشتباه درج شده است (ص ۴۵ سطر ۱۵)؛
- واژه محتوا به اشتباه محتوی تایپ شده است (ص ۳۱۹، ۳۳۰)؛
- وطنانهف به جای وطنانه (ص ۳۲۳)؛
- عدد پانوشت جابه‌جا درج شده است: ۵ به جای ۴ (ص ۳۲۰)؛
- صفحه ۲۲، سطر ۱۴، «(۲۲)» معنایی در متن ندارد؛
- فونت متفاوت دو پاراگراف اول و دوم صفحه ۱۰۱ با فونت متن کتاب؛
- شماره جدول صفحه ۷۷ و ۷۸ اشتباه درج شده است (ص ۲-۳).

۵.۳ تعریف‌نشدن اصطلاحات

در برخی موارد در ترجمه معادل‌سازی نشده و اصطلاح انگلیسی بدون ترجمه در متن آمده است. برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: اتوکراسی (ص ۱۵)، اثر L. A. (ص ۲۵)، G8 (ص ۴۹)، نیوز کوپوریشن (ص ۲۳، ۱۰۶)، دای‌هارد (جان‌سخت) (ص ۵۳)، دسپرت هاوس و ایوز (زن‌های خانه‌دار ناامید) (ص ۵۳).

۶.۳ نامفهوم‌بودن برخی جملات

قرارگیری در معرض دیگری سبب انجام اقداماتی فعال به‌منظور طرد تهدیدات خارجی می‌شود (ص ۲۹ سطر ۱۱).

در صفحه ۱۷ سطر ۴ جمله «این پدیده خواه به‌واسطه تجارت آزاد ...» می‌بایست معادلی دیگری می‌داشت که به خواه به ... اشاره کند تا جمله ابتر نماند.

«بحث اصلی این است که قرارگیری بیش‌تر در معرض اخبار و صنعت سرگرمی عامه‌پسند بیگانه واردشده از شرکت‌های چندملیتی مستقر در ایالات متحده یا دیگر کشورهای غربی قرار گیرند» (ص ۲۵ سطر ۱۰).

«اعضای جماعت پراکنده یهودیان که در بین چند کشور پراکنده شده‌اند» (ص ۱۹ سطر ۱۸-۱۹).

۴. بررسی ابعاد محتوایی اثر

۱.۴ عنوان کتاب در ترجمه

عنوان دقیق کتاب عبارت است از: «ارتباطات جهان‌وطنی: تنوع فرهنگی در جهان جهانی‌شده». این عنوان در کتاب مورد بحث به «جهانی‌شدن و تنوع فرهنگی» ترجمه شده است. تغییر و حذف بخشی از عنوان کتاب (که اساساً عنوان اصلی کتاب است و در کتاب لاتین با فونت بزرگ از زیرعنوان با فونت کوچک‌تر به‌طور مشخص تفکیک شده است)، با وجود ویژگی شفاف و سادگی‌اش، دقت کافی در انتقال محتوای کتاب را ندارد. تنوع فرهنگی در جهان جهانی‌شده فقط تمایز فرهنگی در سطح ملی و در نهایت در سطح محلی را به ذهن متبادر می‌سازد، حال آن‌که ارتباطات جهان‌وطنی برای متن چیزی فراتر از این را منظور دارد، جایی که افراد در پس این امکان ارتباطات با دنیا و محصولات آن ارتباط برقرار و وجهی جهان‌وطنانه را تجربه می‌کنند.

۲.۴ اصول منبع‌دهی علمی

ارجاعات به‌طور کلی در متن حذف شده و تمامی ارجاع‌هایی که در کتاب اصلی به‌طور دقیق شماره‌گذاری و ارجاع داده شده و به تفکیک فصل به فصل در پایان کتاب آمده است در متن ترجمه شده نادیده گرفته شده است و منابع بدون هیچ‌گونه ارجاعی در آخر متن قرار گرفته است. علاوه بر این، در برخی مواقع نویسندگان کتاب توضیحاتی را در کنار ارجاعات آورده‌اند که آن توضیحات و پی‌نوشت‌ها که همراه با منابع آورده شده (برای نمونه ص ۳۷۲-۳۷۵ کتاب اصلی) در متن ترجمه حذف شده است. همچنین، در صفحه ۶۶ و ۸۱ به جدول B2 در ضمیمه «ب» ارجاع داده شده است که در متن ترجمه شده، این ضمیمه وجود ندارد. در صفحه ۸۱ و ۸۵ نیز به پیوست A ارجاع داده شده است که در متن وجود ندارد. در نمونه‌ای دیگر صفحه ۸۱ متغیرهای مورد استفاده از سازه جهان‌وطنی‌گرایی به پیوست C ارجاع داده شده است که در متن وجود ندارد.

۵. ارزیابی ترجمه

در کتاب «فصل نتیجه‌گیری نیز به ارائه پی‌آمدهایی برای سیاست‌گذاری‌های فرهنگی می‌پردازد» (ص ۱۶ سطر ۵). در واقع، اصطلاح «implications» به پی‌آمدها ترجمه شده است؛ در این جا به نظر می‌رسد معادل کاربردها ترجمه بهتر و متناسب‌تری برای این اصطلاح است؛

اصطلاح «tech-savvy» به «نسل جوان آشنا با تکنولوژی» ترجمه شده است (ص ۴۸ سطر ۱۱)، حال آن‌که ترجمه مناسب و دقیق‌تر این اصطلاح به صورت خودمانی «خوره تکنولوژی» و در عبارتی رسمی‌تر «متبحر و مسلط» است؛

اصطلاح «media-rich» به «غنی از رسانه» ترجمه شده است (ص ۴۸ سطر ۱۷)؛ به نظر می‌رسد «رسانه‌های متعدد» معادل فارسی مناسب‌تری برای این اصطلاح است؛

اصطلاح «expatriate community» به «تبعیدی‌های سیاسی» ترجمه شده است (ص ۵۰ سطر ۱۸)؛ به نظر می‌رسد «اجتماع تبعیدی‌ها» ترجمه مناسب‌تری برای این اصطلاح است؛

اصطلاح «military junta» به «شورای نظامی» ترجمه شده است (ص ۵۱ سطر ۴)، در حالی که «junta» معادل دیکتاتوری است و به نظر می‌رسد «دیکتاتوری» ترجمه مناسب‌تری برای این اصطلاح باشد؛

«آیا تماشای شبکه‌های دای‌هارد، دسپرت هوس و ایوز، و سی ان ان واقعاً فرهنگ فرانسوی را در ... تهدید می‌کند» (ص ۵۳ سطر ۱۶). دای‌هارد (جان‌سخت) و دسپرت هاوس و ایوز (زن‌های خانه‌دار ناامید) نام فیلم و سریال آمریکایی‌اند و نه شبکه؛ اصطلاح «communities of fate» به «اجتماعات تقدیر» ترجمه شده است (ص ۱۹۵) و به‌نظر می‌رسد «اجتماعات اعتقادی» ترجمه مناسب‌تری برای این اصطلاح باشد؛ اصطلاح «the subprime mortgage market» به «بازار وام‌های بدون سپرده مسکن» ترجمه شده است (ص ۱۹۵)، درحالی‌که به‌نظر می‌رسد «بازار وام رهنی پرخطر (با ریسک بالا)» ترجمه مناسب‌تری برای این اصطلاح است؛ «world summit on the information society» به «سران دنیا در جامعه جهانی» ترجمه شده است (ص ۱۲۶)، درحالی‌که به‌نظر می‌رسد «اجلاس (یا گردهمایی و نشست) جهانی درمورد جامعه اطلاعاتی» ترجمه مناسب‌تری برای این اصطلاح است؛ اصطلاح «landline telephone» به «تلفن زمینی» ترجمه شده است (ص ۱۳۱)، درحالی‌که به‌نظر می‌رسد «تلفن ثابت» ترجمه مناسب‌تری برای این اصطلاح است؛ اصطلاح «cell phone» به «تلفن سلولی» ترجمه شده است، هم‌چنین «mobile cell phone» به «تلفن‌های سلولی موبایل» ترجمه شده است (ص ۱۳۱)، درحالی‌که به‌نظر می‌رسد «تلفن همراه» یا «موبایل» ترجمه مناسب‌تری برای این اصطلاح است.

۶. نقد و بررسی محتوایی کتاب

نوریس و اینگلهارت در پژوهششان رابطه جهانی شدن و تنوع فرهنگی را بررسی و این سؤال را مطرح می‌کنند که آیا تنوع فرهنگی از سوی جهانی شدن موردتهدید قرار گرفته است، و اگر آری تا چه میزان؟ و در ادامه ضرورت محافظت از تنوع ملی درمقابل جهانی شدن ارتباطات را به‌بحث گذارده‌اند. آن‌ها در جست‌وجوی پاسخ به این سؤالات متغیرهای متنوع ارزش‌های لیبرالی، سکولاریستی، و سرمایه‌داری، نگرش فرهنگی، و میزان استفاده از رسانه، و در معرض ارتباطات جمعی قرارگرفتن در سطوح فردی و اجتماعی را شناسایی و بر مبنای آن فرضیه‌هایی را طرح کرده‌اند. فرضیه‌های اصلی براساس پنج متغیر نوع کاربر، نوع ارزش‌ها، نوع رسانه، نوع جامعه، و نوع تغییر ارزش‌ها در طول زمان تنظیم شده است. نتایج آزمون این فرضیه‌ها در ذیل پنج عنوان دسته‌بندی شد.

در مورد متغیر کاربر فرضیه‌های زیر تأیید شد:

تفاوت استفاده از رسانه‌های خبری در میان بخش‌های اجتماعی، هم‌چنین استفاده بیش‌تر افراد با تحصیلات بالاتر و گروه‌های با درآمد بالاتر و کسانی که به زبان انگلیسی تسلط دارند از رسانه‌های خبری تأیید شد (فصل چهارم ص ۱۵۶-۱۵۷)؛ تقویت ارزش‌ها و نگرش‌های فرهنگی مدرن‌تر با استفاده افراد از رسانه‌های خبری (قرارگیری در معرض رسانه‌های خبری منجر به تقویت جهت‌گیری‌های جهان‌وطنانه و مدارای بیش‌تر با سبک‌های زندگی بیگانه شد) (فصل ششم، ص ۲۱۹-۲۲۱)؛ تقویت دیدگاه‌های موافق با سرمایه‌داری جهانی (فصل هفتم، ص ۲۲۴)؛ شکل‌گیری دیدگاه لیبرال‌تر و سکولارتر نسبت به برابری جنسیتی، سکسوالیته، و مذهب (فصل هشتم، ص ۲۶۰-۲۶۳)؛ و در نهایت تقویت مشارکت مدنی (فصل نهم، ص ۲۸۷-۲۸۸). در مورد نوع رسانه مورد استفاده این نتیجه حاصل شد که اثر ارتباطات جهان‌وطنانه متفاوت است، آن‌چنان‌که این تأثیر در میان کاربران همیشگی اینترنت و ایمیل قوی‌تر و در میان خوانندگان همیشگی روزنامه، اخبار، رادیو، و تلویزیون ضعیف‌تر است. در مورد نوع جامعه نیز نکته بااهمیت این است که قرارگیری در معرض رسانه‌های جمعی در جوامع پیشرفته، در جهان‌وطنانه‌ترین جوامع، در جوامعی که در بازارهای جهانی و شبکه‌های ارتباطی ادغام شده‌اند، و در نهایت در جوامع دارای آزادی رسانه‌ای داخلی قوی‌ترین اثر را در ارزش‌های فرهنگی دارد. در مورد متغیر زمان هم‌گرایی فرهنگی طی زمان در جهان‌وطنی‌ترین جوامع بیش‌ترین میزان را داشته است، هرچند این جوامع بیش‌ترین میزان شباهت را نشان نمی‌دهند (فصل دهم). هم‌چنین محلی‌ترین جوامع معاصر در زمینه ارزش‌های فرهنگی خود بیش‌ترین تفاوت واگرایی را نشان نداده و با گذشت زمان نیز ارتباطات جهان‌وطنانه کاهش تفاوت واگرایی در بین فرهنگ‌های ملی را نشان نداده است (ص ۳۱۶-۳۱۸).

۱.۶ محدودیت‌های تحقیق

نورس و اینگلهارت بر ضرورت اطمینان از یافته‌ها به‌منزله ملاک اساسی تحقیق تأکید دارند. به‌دلیل اتخاذ رویکرد کمی ازسویی و ضعف منابع اطلاعاتی و کمبود داده ازسوی دیگر، محدودیت‌های بسیاری برای پژوهش ایجاد شده است. برای نمونه، برای شناسایی عوامل مختلف مؤثر در افکار عمومی فقط یک رویکرد محدود و مشخص با تمرکز بر اثر رسانه‌های خبری اتخاذ شده است، حال آن‌که بسیاری از عوامل دیگر نیز وجود

دارند که در شکل‌گیری نگرش‌ها و ارزش‌ها مؤثرند. نمونه دیگر این‌که این پژوهش بر تأثیر قرارگیری نسبتاً مداوم در معرض رسانه‌های خبری تمرکز یافته و تحلیل محتوای پیام‌های رسانه‌ای را مورد توجه قرار نداده است، حال آن‌که به‌منظور تبیین جامع مشارکت مدنی زمینه‌های مختلف نهادی سطح کلان، نقش نظام‌های انتخاباتی، و الگوهای رقابت حزبی و در سطح متوسط فعالیت‌ها و تراکم سازمان‌های جامعه مدنی و انجمن‌های داوطلبانه و نگرش‌های سطح خرد را باید به هم پیوند داد.

از آن‌جاکه پژوهش نوریس و اینگلهارت موضوع را در سطحی گسترده و کلان بررسی می‌کند، لاجرم متغیرهای محدودی را در تحقیق وارد می‌سازد. در واقع، با وجود شفاف‌بودن تحقیق و صورت‌بندی صریح روابط بین متغیرها، متغیرهای بسیاری از دایره بحث خارج شده است. حاصل این‌که پژوهش مذکور به‌علت محدودیت‌های اطلاعاتی مطالعه حاضر کم‌تر به میزان قرارگیری کاربران رسانه‌های خبری در معرض امور محلی در جامعه خود، وقایع ملی، و اخبار بین‌المللی و همچنین میزان توجه افراد به اطلاعات موجود در هریک از سطوح محلی، ملی، و بین‌المللی توجه کرده است (ص ۳۳۰). علاوه‌براین، اطلاعات افراد درباره جامعه و جهان از منابع اطلاعاتی گوناگون کسب می‌شود و فقط از طریق تصاویر و ایده‌های منتقل‌شده از طریق تلویزیون و فیلم یا روزنامه کسب نمی‌شود.

نمونه آماری پژوهش نوریس و اینگلهارت دربرگیرنده ۹۵ کشور است. گستردگی نمونه آماری، اتخاذ رویکرد مقایسه‌ای، ضعف منابع اطلاعاتی، و کمبود داده از مهم‌ترین عللی است که موجب شده تا پژوهش حاضر مدلی محدود را که البته شفاف و مشخص است برای آزمون تدوین کند. این امر موجب حذف برخی عوامل اثرگذار در تحلیل الگوهای ارزش‌های فرهنگی شده است. برای نمونه، پژوهش آن‌ها بر تأثیر ارتباطات جمعی جهان‌وطنانه برخاسته از رسانه‌های خبری تمرکز و از سایر منابع اطلاعاتی غفلت کرده است. این درحالی است که دیگر منابع اطلاعاتی مانند برنامه‌های تلویزیونی، موزیک‌ویدئوها، فیلم‌های سینمایی، موزه‌ها، و فعالیت‌های آنلاین متنوع و به‌سرعت درحال تحول تأثیر زیادی در این زمینه دارند (ص ۳۲۹). نمونه دیگر این‌که پژوهش مذکور اثرهای بین‌سطحی بافت ملی و شواهد سطح فردی مربوط به ارزش‌ها و نگرش‌ها را تحلیل کرده است؛ بااین‌حال تأثیر بالقوه خرده‌فرهنگ‌های اقلیت‌ها درون کشورها بررسی نشده است. هرچند این ضعف موردتوجه نویسندگان اثر نیز بوده است و آن‌ها با تکیه بر این نقیصه، ادعان داشته‌اند که با پژوهش‌های بین‌فرهنگی، سری‌های زمانی، و مطالعات موردی دقیق‌تر می‌توان به شناسایی کامل‌تر ابعاد ارزش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی موجود در

کتاب حاضر کمک کرد (ص ۳۲۸). بنابر این نقصان بوده است که نویسندگان اثر حاضر مطالعات مقایسه‌ای موردی دقیق‌تری درمورد خرده‌فرهنگ‌های متمایز در درون کشورها و همچنین انجام پیمایش طولی به‌منظور مقایسه اثر استفاده از رسانه و تغییرات ارزشی در میان جمعیت‌های اقلیت و اکثریت ساکن در مرزهای ملی را در تبیین دقیق‌تر مسئله راه‌گشا و تکمیل‌کننده این شناخت معرفی می‌کنند (ص ۳۲۹).

۲.۶ تحول مفهوم جهانی شدن

نوریس و اینگلهارت در شناسایی شاخص رسانه‌ها بر رسانه‌های قدیمی تمرکز و به اینترنت کم‌تر اشاره کرده‌اند. این که رسانه را فقط در وجه فیزیکی آن مدنظر قرار داده‌اند در واقع ساده‌سازی مسئله است. به‌نظر لوریستین، باید این موضوع را مدنظر قرار دهیم که ویژگی جهانی شدن از منظر تولید انواع خاصی از دانش و درک آن تا حد زیادی به آنچه ما به‌مثابه رسانه/ ابزار داریم بستگی دارد. برای مثال، درمورد قدمت جهانی شدن، نظریه‌پردازانی وجود دارند که می‌گویند مسیحیت اولین موج جهانی شدن از طریق کلیسا بود. البته آن زمان در مقایسه با امروز جهان کوچک‌تری وجود داشت. اگر تلویزیون را مدنظر قرار دهیم می‌بینیم که تلویزیون به‌دلیل میزان و نوع متن متفاوتش روش کاملاً متفاوتی را برای جهانی شدن در مقایسه با مسیحیت به ما ارائه کرد. بر این سیاق باید اذعان داشت امروزه اینترنت در حال ایجاد نوع کاملاً متفاوتی از جهانی شدن است که نه از طریق تصاویر مشابه، بلکه از طریق شبکه‌های اجتماعی صورت می‌گیرد. امروزه حتی بچه‌های کوچک به‌خوبی می‌توانند دنیای کوچکشان را از اینترنت ترسیم و در آن زندگی کنند. آن‌ها از نظر داشتن دوستانی از قاره‌های مختلف جهانی شده‌اند و نه از نظر اشتراک‌گذاری ایده‌های مشترکی که مثلاً صد سال پیش رایج بودند. به‌نظر لوریستین (2011) این اولین و مهم‌ترین موضوع درمورد فهم تحول دیگرگونه از ماهیت واقعی پدیده جهانی شدن است، امری که به‌نظر وی با درنظر گرفتن انواع رسانه‌ها و انواع دانش‌ها قابل فهم و درنهایت موجب می‌شود تا جهان‌بینی‌های مشابه، شبکه‌های مشترک، و ارتباطاتی از این دست ایجاد شود (Lauristin 2011: 23).

۳.۶ تقلیل‌گرایی و ضعف در تحلیل مقایسه‌ای

به‌گفته پاتریشا موی (Patricia Moy) نکته اثرگذار درمورد این کتاب رشته منظم متغیرهای کلیدی است. نوریس و اینگلهارت ضمن اذعان بر نحوه مفهوم‌سازی و عملیاتی‌سازی اثر

رسانه‌ای توسط دیگر محققان به چندین پی‌آمد کلیدی چنین مفاهیم رسانه‌ای تأکید می‌کنند: میزانی که شهروندان هویت‌های ملی‌گرایانه دارند و به دیگران اعتماد می‌کنند؛ رویکرد آن‌ها در مورد موفقیت فردی؛ رویکردهای اقتصادی محافظه‌کارانه، مذهب، جنسیت، و خانواده؛ و همچنین سطح مشارکت مدنی شهروندان. تحقیق در مورد هر کدام از این معیارها می‌تواند چندین جلد کتاب را به خود اختصاص دهد و نوریس و انگلهارت به درستی عوامل کلیدی را تفکیک کردند تا بتوانند روایتی قابل‌فهم ارائه دهند. منابع آن‌ها به‌طور عمده «نظرسنجی‌های ارزش‌های جهانی» (world values surveys) بوده، اما از منابع دیگری مانند «خانه آزادی»، «بانک جهانی»، و «برنامه توسعه سازمان ملل» هم برای ارتباط‌دهی شاخص‌ها استفاده کرده‌اند (Moy 2010).

با این حال، به نظر موی بررسی نظام‌مند چنین تأثیرات رسانه‌ای که در عمل به تقلیل‌گرایی هم تمایل دارند امکان استنتاجات فراگیر را غیرممکن می‌سازد. در واقع، درست مانند تمام آثار دیگری که مستلزم مقایسه‌های فراوان مبتنی بر متغیرهای زمان و مکانی است، این کتاب نیز امکان ارائه مقایسه‌های دقیق را نمی‌دهد (ibid.). مباحث مطرح در کتاب کشور خاصی را مدنظر نداشته است. هر چند نویسندگان در مواردی مثال‌های کاملی را برای تبیین موضوع از مکان‌های خاصی ارائه کرده‌اند، اما ضعف در رویکرد مقایسه‌ای و تحلیل آن بر سر جای خود باقی است.

۴.۶ ضرورت توجه به نوع فعالیت رسانه‌ای

به نظر لوریستین (2011) باید انواع دیگری از رسانه‌ها را در نظرسنجی‌هایمان موردنظر قرار دهیم تا شاخص‌های متفاوتی ایجاد شود: شاخص مصرف پخش، شاخص مصرف مطبوعات و جراید، شاخص مصرف اینترنت؛ یعنی نه یک شاخص رسانه بلکه سه نوع شاخص متفاوت. علاوه بر این‌ها انواع نگرش‌های جهانی، هویت، تحمل در برابر فرهنگ‌های دیگر، و غیره را نیز باید وارد تحلیل کرد. به‌باور لوریستین، آنچه از تحلیل رگرسیونی به دست می‌آید این است که اولین چیزی که اعتماد را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد استفاده از اینترنت است، البته نه فقط میزان آن، بلکه تنوع استفاده از اینترنت. یعنی چیزی که باید مدنظر قرار گیرد میزان نیست، بلکه خود فعالیت است (Lauristin 2011: 24). بنابراین، گذار از شکل و کمیت به تحلیل محتوا پیش‌نهادی است که برای تقویت پیمایش و پژوهش‌هایی این‌چنینی توصیه می‌شود.

۷. نتیجه‌گیری

نوریس و اینگلهارت در کتاب جهانی‌شدن و تنوع فرهنگی در پس پیمایشی گسترده در ۹۵ کشور به این نتیجه می‌رسند که جوامع در سرتاسر جهان، در پرتو گسترش فزاینده ارتباطات جهان‌شمول، از کانال‌های متنوع در معرض سیلی از اطلاعات و رای مرزهای محلی و ملی بوده و تغییرات ناشی از آن را تجربه کرده‌اند. نویسندگان از ارتباطات جهانی امری فراتر و گسترده‌تر از رسانه‌های فراملی هم‌چون سی‌ان‌ان، الجزیره، و رویترز را مدنظر داشته‌اند، امری که نحوه یادگیری و ارتباط با افراد و مکان‌های فراتر از مرزهای دولت - ملت را در بر می‌گیرد. در بررسی تأثیر ارتباطات جهانی‌شدن چهار نظریه اصلی را مورد بحث قرار می‌دهند: هم‌گرایی فرهنگ‌های ملی درباره ارزش‌های غربی که در شدیدترین وجهش در قالب امپریالیسم فرهنگی معنا می‌شود؛ قطبی‌شدن فرهنگ‌های ملی که مردم می‌توانند در مقابل پیام‌ها و ارزش‌های بیگانه رسانه مقاومت کنند و از پذیرش آن امتناع ورزند؛ تلفیق فرهنگ‌های ملی؛ و در نهایت مدل فایروال یا دیوار آتش، که در واقع اثرهای مشروطی بر این تأثیرات جهان‌شمول دارد (نظریه مذکور به منزله نظریه پیش‌نهادی نویسندگان انتخاب می‌شود و مبنای بحث قرار می‌گیرد). نویسندگان بر پایه مدل فایروال (دیوار آتش) به اثرهای مشروط‌کنندگی‌ای اشاره دارند که فرهنگ ملی را از تأثیر ارتباطات جهان‌شمولانه (از آن‌چه پیش‌تر تصور می‌شد) عایق‌بندی کرده است. بر مبنای نظریه دیوار آتش این مهم توضیح داده می‌شود که هویت‌ها، ارزش‌ها، و شیوه‌های زندگی متمایز جوامع، در برابر اثر رسانه‌های جهانی، بسیار ریشه‌دارتر و مقاوم‌تر از آن‌چه اغلب ادعا می‌شود هستند (ص ۳۳۱).

نویسندگان استدلال می‌کنند که جهانی‌شدن به منزله پدیده‌ای چندبعدی (اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی) عمیقاً بر توده‌های جمعی اثر می‌گذارد، با این توضیح که هم جوامع در حال توسعه و هم جوامع غربی از طریق نیروهای وسیع مدرن و البته به شیوه‌ای متمایز شکل می‌گیرند، امری که موجب حفظ فرهنگ ملی متمایزشان نیز می‌شود. در واقع، هر یک از جوامع مسیرهای خود را دنبال می‌کنند، آن‌چنان‌که ایالات متحده و انگلستان، سوئد و آلمان، کره جنوبی و ژاپن، فرهنگ غربی هم‌گنی را به اشتراک نمی‌گذارند. نویسندگان با تکرار این نکته که بریتانیا آلمان نیست، سوئد اسپانیا نیست، و کانادا ایالات متحده نیست مخاطبان خود را به توجه مردم جهان برای به اشتراک گذاشتن گزینه‌های فرهنگی خاصشان ارجاع می‌دهند. بنابراین، مواهب معاصر از جمله افزایش میزان اطلاعات و شناخت درباره افراد و اماکن به معنای از دست‌دادن میراث فرهنگی آن‌ها نیست.

در ارزیابی کتاب نوریس و اینگلهارت چندین چالش و محدودیت قابل طرح است (چه به لحاظ روشی و چه دامنه شمول، دربرگیرندگی، و توضیح‌دهندگی مسئله، به لحاظ متغیرهای به کاررفته) که از جمله مهم‌ترین آن‌ها ضعف منابع اطلاعاتی و کمبود داده در مورد متغیرهای مربوط به نگرش‌ها و ارزش‌هاست. هم‌چنین، نوریس و اینگلهارت متغیر در معرض رسانه‌های خبری قرار گرفتن را لحاظ کرده، اما از تحلیل محتوای پیام‌های رسانه‌ای غفلت کرده‌اند. نویسندگان اثرهای بین سطح ملی و شواهد سطح فردی مربوط به ارزش‌ها و نگرش‌ها را تحلیل کرده‌اند، با این حال تأثیر بالقوه خرده‌فرهنگ‌های اقلیت‌های قومی، زبانی، یا مذهبی درون کشورها را از بررسی خود حذف کرده‌اند.

در مورد تلقی جهانی شدن به منزله حرکتی مستمر نیز باید بیان کرد که اکنون اینترنت در حال ایجاد نوع کاملاً متفاوتی از جهانی شدن است. جهانی شدن از طریق شبکه‌های اجتماعی صورت می‌گیرد، امری که شکل دگرگونه‌ای از جهانی شدن را تصویر می‌سازد. در نهایت این که این نقد به اثر نوریس و اینگلهارت وارد است که درست مانند تمام آثار دیگری که مستلزم مقایسه‌های فراوان مبتنی بر متغیرهای زمان و مکانی است، این کتاب نیز امکان ارائه مقایسه‌های دقیق را نمی‌دهد، به ویژه این که مردم هنوز هم در مکان‌ها زندگی می‌کنند و ترسیم فضای جریان‌های شبکه‌ای درهم‌تنیده محصول جهانی شدن بیش از هر چیز چشم‌اندازی غیرتاریخی است. از نظر دیگر تأکید بر دوگانه جهان‌شمول بودن در برابر ملی‌گرایی کم‌تر امکانی برای سایر گزینه‌های بدیل فراهم ساخته است. تمایز منطقه‌ای جهانی و تقسیم فرهنگ جهانی به سیاق سه منطقه اقتصاد اصلی، آمریکای شمالی، اتحادیه اروپا، و منطقه آسیا - اقیانوس آرام از این گزینه‌هاست (کاستلز ۱۳۸۰: ۱۳۳). با این وصف، رقابت فزاینده بین این سه منطقه فهم دقیق‌تری از وضعیت جهانی شدن در سایر حوزه‌ها از جمله حوزه فرهنگ را فراهم می‌آورد.

درباره ترجمه کتاب نیز باید بیان داشت که مفاهیم و اصطلاحات فرهنگی نیاز به توضیح دارد، علاوه بر این، ترجمه لغت‌به‌لغت آفت ترجمه است و در مواردی موجب شده است تا مترجمان از معادل‌سازی مناسب و متناسب بازمانند. در واقع متن به تدقیق دوباره ترجمه نیاز دارد، به ویژه در بخش‌هایی که نامفهوم و غریب است. با این اوصاف، مهم‌ترین موارد پیش‌نهادی عبارت‌اند از: ارائه توضیحاتی در مورد مفاهیم فرهنگی ترجمه‌نشده که برای خواننده کتاب نامفهوم است، که می‌توان مطالبی را برای توضیح و تشریح آن در پانویست آورد؛ در مواردی که ترجمه لغت‌به‌لغت شده و اصطلاح نامفهوم شده است باید تدقیق شود و ترجمه و معادل فارسی آن آورده شود. آخرین مسئله مربوط به مواردی

محدودی است که جمله‌ها گنگ و نامفهوم‌اند که در متن ذکر شد و در نهایت لازم است ویرایش مجدد بر روی آن انجام شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. نتیجه ذکر شده دستاورد پژوهش آلمن و جموات بود که در شاخص ارتباطات جهانی چهار مؤلفه را بررسی کردند: تجارت (در هر دوی کالا و خدمات)، اطلاعات، مردم (از جمله گردش گران، دانشجویان، و مهاجران)، و سرمایه (آلمن و جموات ۲۰۱۴).
۲. از جمله آثار نوریس می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره کرد:

- پپیا نوریس (۲۰۱۵)، چرا انتخابات شکست خورد، نیویورک: انتشارات دانشگاه کمبریج.
- پپیا نوریس (۲۰۱۴)، چرا یک پارچگی انتخابات اهمیت دارد، نیویورک: انتشارات دانشگاه کمبریج.
- پپیا نوریس (۲۰۱۲)، کارکرد حکومت دموکراتیک: تأثیر رژیم در رونق، رفاه و صلح، نیویورک: انتشارات دانشگاه کمبریج.
- پپیا نوریس، کمبود دموکراتیک: شهروندان بحرانی مجدداً بازدید می‌کنند، نیویورک: انتشارات دانشگاه کمبریج.
- پپیا نوریس و رونالد اینگلهارت، ارتباطات بین‌المللی: تنوع فرهنگی در جهانی جهانی. نیویورک: انتشارات دانشگاه کمبریج.
- پپیا نوریس (۲۰۰۸)، دموکراسی رانندگی: آیا مؤسسات مشارکت در قدرت کار می‌کنند؟، نیویورک: انتشارات دانشگاه کمبریج.
- پپیا نوریس (۲۰۰۵)، حق رأی: رأی‌دهندگان و احزاب در بازار انتخاباتی، نیویورک: انتشارات دانشگاه کمبریج.
- پپیا نوریس و رونالد اینگلهارت (۲۰۰۴)، مقدس و سکولار: سیاست و دین در سراسر جهان، نیویورک: انتشارات دانشگاه کمبریج.
- پپیا نوریس (۲۰۰۴)، مهندسی انتخابات: قوانین رأی‌گیری و رفتار سیاسی، نیویورک: انتشارات دانشگاه کمبریج.
- پپیا نوریس و رونالد اینگلهارت (۲۰۰۹)، ارتباطات جهان‌وطن: تنوع فرهنگی در یک جهان جهانی شده، نیویورک و کمبریج: انتشارات دانشگاه کمبریج.

۳. از اینگلهارت آثار متعددی منتشر شده است که از آن جمله می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد:
- تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی (۱۹۹۰)، انتشارات دانشگاه پرینستون (ترجمه مریم وتر، تهران: کویر، ۱۳۷۳).
 - مقدس و عرفی: دین و سیاست در جهان (۲۰۰۴)، انتشارات دانشگاه کمبریج (ترجمه مریم وتر، تهران: کویر، ۱۳۸۶).
 - نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی: توالی توسعه انسانی (۲۰۰۵)، انتشارات دانشگاه کمبریج (ترجمه یعقوب احمدی، تهران: کویر، ۱۳۸۹).
 - انقلاب آرام (۱۹۷۷)، انتشارات دانشگاه پرینستون.
 - تغییر ارزش در ره‌یافت جهانی (۱۹۹۵)، انتشارات دانشگاه میشیگان (به‌همراه پل آبرامسون).
 - مدرنیسم و پست‌مدرنیسم (۱۹۹۷)، انتشارات دانشگاه پرینستون.
 - «مدرنیسم، تغییر فرهنگی، و مقاومت ارزش‌های سنتی» (۲۰۰۰)، مجله جامعه‌شناسی آمریکا.
 - موج: برابری جنسیتی و تغییر فرهنگی در سراسر جهان (۲۰۰۳)، انتشارات دانشگاه کمبریج.
 - عقاید انسانی و ارزش‌ها: مرجع بین‌فرهنگی براساس پیمایش‌های ارزش‌های ۱۹۹۹-۲۰۰۲ (۲۰۰۴).
۴. نوریس، پپیا و رونالد اینگلهارت (۱۳۹۵)، جهانی‌شدن و تنوع فرهنگی، ترجمه عبدالله فاضلی و ساجده علامه، تهران: کویر.

کتاب‌نامه

- البرو، مارتین (۱۳۸۱)، عصر جهانی، جامعه‌شناسی، پدیده جهانی‌شدن، ترجمه نادر سالارزاده احمدی، تهران: آزاداندیشان.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات؛ اقتصاد جامعه و فرهنگ (جلد ۲): قدرت و هویت، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.
- نوریس، پپیا و رونالد اینگلهارت (۱۳۹۵)، جهانی‌شدن و تنوع فرهنگی، ترجمه عبدالله فاضلی و ساجده علامه، تهران: کویر.

Internet World Stats (2012), "Minimarts Marketing Group", 30 June 2012, <<https://www.internetworldstats.com/stats.htm>>.

Faiola, Anthony (2009), "A Global Retreat as Economies Dry Up", *The Washington Post*, 5 March, <<https://www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/article/2009/03/04/AR2009030404221.html>>.

- Pankaj Ghemawat and Steven A. Altman (2014), "Signs of Life", *The Economist*, 15 November, <<https://www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/article/2009/03/04/AR2009030404221.html>>.
- Martin, Wolf (2001), "Will the Nation-state Survive Globalization?", *Foreign Affairs*, <<https://www.foreignaffairs.com/articles/2001-01-01/will-nation-state-survive-globalization>>.
- Biswajit, Ghosh (2011), "Cultural Changes and Challenges in the Era of Globalization", *Journal of Developing Societies*, SAGE Publications, vol. 27, no. 2.
- Lauristin, Marju and Mari Kodres (2011), *XVI Open Society Forum, Cosmopolitan Communications: Cultural Diversity in a Globalized World*, Tallinn: Open Estonia Foundation.
- Moy, Patricia (2010), "Book Review: Cosmopolitan Communications: Cultural Diversity in a Globalized World", *Political Science Quarterly*, vol. 125, no. 3.
- Peterson, R., D. Wunder and H. Mueller (1999), *Social Problems*, New Jersey: Prentice Hall.
- Held, David et al. (1999), *Global Trnsformation: Politics, Economics and Culture*, Stanford: Stanford University Press.